پرچم

ناشراندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره هشتم سال دوم دوشنبه ۲۲ ثور ۴۸–۱۲ می ۶۹، شماره مسلسل ۶۰

دافغانستان خلک دی چه واقعی سترقدرت تشکیلوی نه مرتجعین، مستبدین اومتنفذین ځکه یواځی خلک دی چه دتاریخ محرکه قوت جوړوی.

دمبارزی جرأت په‌ځان کی پیداکړی، له کړاونو مه‌داریږی، ځنگ په ځنگ سره مخ په‌وړاندی درومی، یواځی په دغه صورت کی به‌نیک مرغی‌اوخوښی دخلکو په برخه‌شی‌او ټول مرتجعین، مستبدان اواستعمار گران به‌له‌منځه‌لاړ شی اوخلک به بریالی شی.

بارق شفیعی

برنامه‌های نمایشی هرگز نمیتوانند مشکلات

استادان ومعلمان کشور را حل کند!

سیر درنگ ناپذیر پروسه تکامل در جریان کار اجتماعی، از تفکر اندیشناک انسان مغاره نشین تاهجوم شجاعانه بشر راکت سوار به ماه و زهره، باز گویندهٔ این حقیقت درخشان است که: کسی بخواهد یا نخواهد جامعه تغییر میکند، پیوسته به پیش میتازد و در مسیر خویش بالاخره هرسد سدیدی را از هم می پاشدوهر قدرت قهاری را در هم میکشند، با مشکلات پنجه میدهد واز موانع میگذرد.

امواج خروشان وپیش آهنگ این سیل تازنده وپایان ناپذیر جریان تکامل بشری را اندیشه های خلاق وبازوان نیرو مند انسانهائی تشکیل میدهد که در سازمان تولید اجتماعی نعم مادی نقش اساسی، آفریننده و دورانساز دارند.

دربرابرآن، تلاش‌مذبوحانه‌بمنظور حفظ استقرار ارتجاعی وضع موجود در تمام شئون اجتماعی و میخکوب کردن عوامل ناآرام ورشدیابنده بجهت یك تغییر اساسی و ایجاد نظام نوین زندگی، انعکاس دهندهٔ کامل عیار خصلت متحجرورجعت پسند طبقات حاکمه مرتجع در جوامع طبقاتیست.

منجمله در کشور ما نیز طبقات حاکمهٔ ارتجاعی سالها ست برای دفاع از موقف ستمگرانه، ولی رو به زوال خویش وحفظ وضع موجود به منظور بقای تسلط خود، از طریق استوار نگهداشتن پایه های لرزان و سست بنیاد فرهنگ فرسوده ملاکی وفئودالی وترمیم آن باپیوند ناجور دانش ارتجاعی بورژوائی که فاقد هرگونه محتوی مترقیست، مصروف خلع سلاح کردن خلقهای زحمتکش وفرزندان با استعداد طبقات محروم کشور اند. معهذا با ایجاد مانورهائی نظیر برگزاری روزی به نام «جشن معلم» وبرنامه های نمایشی دیگر، بروی ماهیت حقیقی خویش پرده می افگنند.

اگر چنین نیست، چرا مقامات مسؤول معارف وپوهنتونهای کشور آزادی تدریس دانش مترقی را از معلمان و استادان‌شریف ووطنپرست سلب کرده اند، چرا دست وزبان استادان‌تحول طلب وترقیخواه‌کشور رابزنجیربه‌اصطلاح توأمیتهای‌اسارت آور با مراکزبخش وتعمیم ایدئولوژی ارتجاعی بورژوائی که جز پیوند فرهنگ پوسیده فیودالی با استعمار فرهنگی غرب، هدف و مفهومی‌ندارد بسته اند، چرا زمینهٔ استفاده معلمان واستادان معارف و پوهنتون را از تازه ترین اطلاعات وپدیده‌های‌علمی منابع مترقی جهان روز تاروز محدود ومحدودتر می سازند وراههای ورود آثار مترقی علمی را به مراکزفرهنگی مملکت مسدود می‌نمایند، چراوسایل تحصیلات عالی و انکشاف سویهٔ علمی معلمان و استادان رابه پیمانهٔ سرتاسری کشور تهیه نمی بینند، چرابنحوی ازانحا جلو اشتراك فعال معلمان وطنپرست ترقیخواه‌را درامور سیاسی واجتماعی کشور، در تعیین سر نوشت وطن محبوب شان‌میگیرند وآنانرا از جریان تکامل جامعه واندوختن تجارب علمی در زمینه های مختلف حیات اجتماعی باز میدارند، چرابه رفع تشوشات روحی وذهنی معلمان واستادان وطنپرست وبادرد که اکثریت آنانرا عناصر مربوط به طبقات زحمتکش وطن تشکیل‌میدهد نمی پردازند، چرا اکثر معلمان و استادان شریف کشور غذای کافی وصحی گرفته نمیتوانند، لباس آبرو مند ندارند، صحت ندارند، خانه ندارند ونیمی از وقت، نیرو و انرژی شان که باید در خدمت آموزش و پرورش فرزندان هموطن شان بکار رود، در خارج وظیفه ارجمند معلمی بکار های دیگری، آنهم به غرض‌تامین غذا، لباس، دوا وکرایه منزل‌فامیلهای بینوای آنان بهدر میرود، وبالاخره چرا معلمان بی دفاع کشور همینکه نتوانستند خاطر مبارك آغازاده های طبقات‌حاکمه را ازخودراضی نگهدارند ازطرف ارباب نفوذمحلی، بروکراتان وماموران عالی رتبهٔ فاسد وهمچنان ملاکان‌وفیودالان بزرگ‌وازخودراضی وسرمایه داران‌سوداگر ودلال‌خارجی مورد تهدید وتخویف، توهین وتحقیر وضرب شتم قرار میگیرند وحتی به دستیاری گردانندگان معارف و نمایندگان محافل حاکمه در مرکز و ولایات کشور شامل لست های‌سیاه میشوند، دوسیه های سیاسی و جنایی پیدا میکنند، تعقیب وتکفیر میشوند، طرد میگردند وبزندانها می افتند؟

اینها ودهها چرای دیگر نماینده این حقیقت مسلم است که نمایندگان طبقات حاکمه و حامیان سرسپردهٔ حفظ استقرار ارتجاعی وضع موجود نمی خواهند روزنهٔ روشنی ازدانش پیش آهنگ و مترقی بسوی دل و دماغ‌فرزندان خلقهای زحمتکش‌وطن–این سازماندهندگان واقعی هستی اجتماعی وطن ستمدیدهٔ ما باز گردد، تابدینوسیله جلورشد شعور طبقاتی،

(ص۲)

دانتخاباتی مبارزی دپاره

دائتلافی جبهی تشکیلول زموږ ضروری اوفوری وظیفه ده

په اوسنی حال کی د ټولو ملی، دموکراتیکو، ترقی غوښتونکو اووطن پرستو افرادو، محافلو، ډلو سازمانونو او قوتونو ضروری اوفوری وظیفه داده چه ددیار لسمی‌دوری دانتخاباتی مبارزی دپاره اوپه انتخاباتو کښی دگډون دپاره دافغانستان‌دخلکو دچمتو کولو په‌خاطر، دارتجاعی حاکمو طبقاتو دناپاکی جبهی دکمزوری کولو اودارتجاعی محافلو او دخارجی فتنه‌اچونکو شبکو ددسیسو دشنډولو په غرض، یوه ائتلافی جبهه جوړه‌کړی.

دابه ستره اشتباه وی که یو له ملی، دموکراتیکو، ترقی غوښتونکو او وطن پرستو افرادو، محافلو، ډلو، سازمانونو اوقوتونو څخه دخود–خواهی او په خپلو کی داختلافاتو په اساس، یا دشخصی اوسازمانی بلند پروازیو او دداخلی او خارجی دښمنانو دلمسون په اساس په غلطه سره په اوسنی حال کښی‌خپل عمده دښمن په خپل مینځ کی وټاکی او دانتخاباتی مبارزی په جریان کی یو بل سره ښکر کاندی او په پای کی په انتخاباتو کی دارتجاعی‌محافلو دبریالی توب سبب شی.

ترکومه ځایه چه دافغانستان دخلک دموکراتیک جریان پوری اړه لری په میړانه، صراحت او بشپړ صداقت سره د هر ډول رفیقانه، صمیمی او دوستانه مفاهمی دپاره دائتلافی جبهی دتشکیل اوخصوصیت په باره کی، دگډ دښمن‌په مقابل کی دگډ عمل، گډ پلیټفورم، او گډی حوزو دصحیح او ټینګ ویش دپاره خپل چمتوالی اعلانوی.

لا هم وخت شته، باید ژرترژره له ملی لوړو دودونو سره سم‌خپلی مشورتی جرگی تشکیل کړو.

که داسی ونشی، نودواقعی‌ملی، دموکراتیکو ترقی غوښتونکو او وطن پرستو عناصرو تر منځ له تیتوالی او نفاق څخه دراپیدا کیدونکو عواقبو مسوولیت به دنفاق اچونکو او پاره ونکو په غاړه وی چه دافغانستان خلک او ملت به یی‌ونه بخښی او دافغانستان دخلک دموکراتیک جریان به له اوضاع او احوال سره سم دخپلی انتخاباتی جاری پالیسی مطابق په زړه ورتیا سره مخ په وړاندی درومی.

(ج. د. خ. ا)

افکار عامه توقیف‌های خودسرانه

وغیر قانونی را محکوم میسازد

بر طبق خبر روز نامهٔ اصلاح (چهار شنبه ۱۷ ثور) سه تن از جوانان وطن پرست و تسوالی گذره ولایت هرات: عبدالعلی کارگر، غلام سخی دهقان، و غلام فاروق محصل پوهنځی انجنیری بالترتیب هر یك به چهار سال و سه سال حبس محکوم گردیده اند. در خبر منتشرهٔ در روز نامهٔ اصلاح ادعا گردیده است که گویا ایشان «درایجاد بی‌نظمی وتشویش میان مردم هرات و توهین دستگاه‌رسمی و دولتی» دست داشته اند.

قدر مسلم اینست، قانون‌شکنان که خودرا مجری قانون میدانند و کسانیکه عقده تفوق وحقارت دارند به بهانهٔ ایجاد بی نظمی و«اخلال امنیت» دست به یك سلسله اعمالی میزنند که در واقعیت امر خود به شیوهٔ انتقام جویانه مؤجد بی‌نظمی واخلال امنیت می گردند. تجربه نشان داده است: هنگامیکه مردم به استناد و استفاده از حقوق وآزادی های مصرح در قانون اساسی علیه قانون شکنی‌ها، سوء استفاده ها، استبداد، ستم، ارتشاء واستثمار مبارزه کرده، ریشه ها و علل، مرتکبین و مجریان آنها را جستجو وافشاء نموده اند، مقامات مربوط دولتی فورا اتهام «برهم زدن نظم و آرامش و اخلال امنیت» را بر آنها بسته‌اند، که‌چنین شیوه‌ئی از دیر زمان بدینطرف از جانب مقامات‌دولتی نه تنها در هرات، بلکه در تمام ولایات دیگر ودر مرکز (کابل) به شدت تعقیب واعمال میگردد.

استفاده ازین بهانه اکنون عام گردیده است، چه بسا کارگران شریف وزحمت کش که تحت همین عنوان از کار اخراج و آواره شده و جوانان و طنپرست از حق تحصیل محروم میگردند. ماموران پایانرتبه و معلمان و طنپرست به این بهانه بعناوین مختلف اضافه‌بستی، تبدیلی–های نا بهنگام و غیر طبیعی وبه‌طرق دیگری بی سرنوشت و سر گردان میشوند.

پیوسته به ملاحظه رسیده است: کار گران، شاگردان و محصلانیکه جهت تامین خواستهای صنفی و عادلانه خود به اعتصاب، مظاهره و تشکیل متینگها یی دست زده‌و مطالبات خودرا اظهارکرده اند، برای عده مورد نظر آنان تحت همین بهانهٔ معمول «ایجاد بی نظمی واخلال امنیت» دوسیه هاساخته‌شده، بطور غیر قانونی باز داشت گردیده، به محاکمه کشانیده شده و زندانی گردیده اند..در حالیکه عملا قانون شکنی و شیوهٔ‌حرکت‌تحریك آمیز مقامات دولتی فضای بی نظمی و تشویش راخلق کرده‌است. اگر چنین نباشد به طور مثال، اولاد ر برابرشمول‌عدهٔ‌زیادی‌ازفارغ‌التحصیلان صنوف دوازدهم لیسه های مرکز وولایات‌کشوربه‌پوهنتون، که با تحمل هزاران مشکل، آرزو واشتیاق ادامهٔ تحصیل را دارند، ایجاد مشکلات به طور مصنوعی بوسیلهٔ سیستم کانکور غیر عادلانه، چه مفهومی دارد؟ ثانیاً چرا تا مدت زیادی دربرابر خواستهای معقول ایشان بدون موجب مقاومت صورت گرفت وثالثاً در برابر فیصلهٔ صریح و لسی جرگه که نصاب نمرهٔ شمول به پوهنتون را شکست مهر سکوت بر لب زده شده، تعلل به خرج داده‌شده‌است، آنگاه‌که‌محصلان سر گردان و با سرنوشت مجهول به طور قانونی ومسالمت آمیزبرای احقاق‌حقوق‌خویش‌مبارزه کردندعده‌ئی از ایشان خلاف قانون باز داشت گردیدند، همچنین روش خشنی که در برابر خواستها و مبارزات قانونی شاگردان لیسه نجات و لیسه های دیگر مرکز در آغاز سال جاری در پیش گرفته شد مؤید آنست که چگونه برای ادامهٔ وضع ایجاد شده عمداً تحریکاتی صورت‌گرفت، عوض آنکه در برابر آنان با ابرازاندکی حوصله ونرمش پذیری برخورد درست صورت گیرد و جوانب‌معقول خواستهای ایشان بر آورده شود به طور تحریك امیزی به باز داشت عده ئی از شاگردان لیسه های نجات، غازی وحبیبیه‌اقدام گردید.

تمام این اعمال تحریك آمیز، تهدید و فتنه انگیزی های پولیس ځارنوالی ودیگر مقامات دولتی می–رساند که تصور گردد عمدی وسوء نیتی در کار است تا با ایجاد‌فضای بی نظمی به بهانهٔ «اخلال امنیت» با توجیه نا درست مواد قانون اساسی واستناد به قوانین کهنه متناقض روحیه و مواد مصرح قانون‌اساسی به حقوق و آزادی های دموکراتیك مردم دستبرد زده شود.

مردم از دیر زمانیست که این سوء‌نیت محافل حاکمهٔ ارتجاعی کشور را درك کرده اند وبرای همیشه در برابرآن‌خاموش نخواهند نشست، که البته مسؤولیت ناشی از آن به عهدهٔ آنانی خواهد افتید که خود به شکل تحریك آمیزی‌امنیت را اخلال میتمایند و می خواهند مؤجد آن دیگران را نشان دهند.

افکار عامه بر مقامات حاکمه‌در مورد بازداشت و توقیف جوانان و طنپرست هرات، معلمان، محصلان فارغان و شاگردان لیسه های مرکز وولایات‌کشوربه بهانه «اخلال‌امنیت»، اعتراض می نمایند و رهائی فوری آنان را انتظار دارند.

مسؤولیت عواقب خطرناک

جنگ در شرق میانه بدوش اسرائیل است

اسرائیل بااعزام کوماندوها در داخل خاك جمهوریت متحد عربی جهت اجرای‌ماموریت ها ی تخریبی درمنطقه‌نیل علیا امکان حل پرابلم شرق‌میانه‌را از طرق مسالمت آمیز، بیش‌ازهروقت دیگر محدود ساخت وبه‌این منطق که مساله اعراب و اسرائیل را تنها‌از راه اعمال قوت میتوان‌حل‌کرد، بیشتر قوت بخشید، وامیدواریهای خوشبینانه درباره نتیجه کنفرانس وزرای خارجه‌چهار کشور بزرگ رابه نا امیدی نزدیك گردانید. تحریکات جدید اسرائیل نشاندا د که حتی پلان شش فقره ای ملك حسین پادشاه اردن با تمام گذشتیکه در آن به نفع اسرائیل صورت‌گرفته بود، نمی تواندمتجاوزرا مجبورسازد که به ندای عقل سلیم گوش دهد.

صدر اعظم اسرائیل برای درست جلوه دادن این عمل ماجراجویانه حکومت خود میگوید که اجرای عملیات‌تخریبی‌درداخل خاك‌جمهوریت متحد عربی، که‌در آن بر اساس ادعای‌خود اسرائیلیها، نه‌پل ویك‌لین انتقال برق در منطقه نیل علیا ازبین برده شد، بمنظور آن صورت گرفت تاجمهوریت متحد عرب اوربند(۷) جون ۱۹۶۷ پیشنهادی ملل متحد را مراعات کند.

بملاحظهٔ آتش باریهای توپخانهٔ اسرائیل در امتداد کانال سویز، تعرضات هوائی اسرائیل در شرق دریای اردن وسطوح مرتفع گولان درداخل خاك سوریه ودیگرتحریکات اسرائیل و باستناد راپورهای‌ناظرین ملل متحد میتوان گفت که این ماجراجویان صهیونی هستند که‌اوربند را نقض کرده‌اند، نه اعراب. مضحك تر اینکه اسرائیل از جمهوریت متحد عربی ودیگر کشورهای ذیعلاقه عربی‌می خواهد که مقررات اوربند درداخل خاك خودرا مراعات‌نمایند، چه این اوربند از طرف ملل متحد پیشنهاد شده است، درحالیکه‌خودهیچ‌گونه‌اعتنائی به فیصله ۲۲ نومبرسال ۱۹۶۷ که شامل‌بیرون کشیدن عساکراسرائیل از مناطق اشغال شده میباشد، نمی‌کند. توقع‌مراعات اوربند از اعراب معنی آنرادارد که‌آنها (اعراب) باید وضع موجودرابا سرحدات موجود بین اعراب واسرائیل‌مراعات نمایند، درصورتیکه اسرائیل چندین برابرخاك اصلی خویش زمین ها ی مربوط به اعراب را (در فلسطین و دیگر کشورها ی عربی)، اشغال نموده وپیوسته‌اعلان میدارد که حاضر نیست از سرحدات فعلی عقب برود، جز **منطق‌زور** هیچگونه‌معقولیت ندارد. چنین تقاضا در حکم آنست که اعراب تصرف سر زمینهای‌شانرا توسط اسرائیل برسمیت‌بشناسند و بگذارند که صهیونیان وامپریالیستها آنچه‌راکه‌از طریق تجاوز و آواره ساختن دو ملیون عرب بدست آورده‌اند، باخاطر آسوده تصاحب نمایند و پلانهای مربوط به سیاست توسعه جوئی خود را درساحهٔ وسیعی بین نیل و فرات پیش ببرند.

(ص۳)

پرچم

دافغانستان دخلک دموکراتیک افکارو خپرونکی

۲۲ ثور ۱۳۴۸

جمهوریت دموکراتیک توده‌ای

کوریا برای وحدت ملی وترقی کشور خود مبارزه میکند

جمهوریت دموکراتیک توده ای کوریا بتاریخ (۲) اپریل سی و هفتمین سالگرد تاسیس اردوی گوریلائی ضد اشغالگران جاپانی را تجلیل نمود.

خلق کوریا در حیات ملی خویش به این روزاهمیت به‌سزائی قایلند.

مردم کوریا که برای مدتی بیش از (۴۱) سال تحت اشغال امپریالیست–های جاپان بسر بردند، به خاطر رهائی از توهین اسارت بیگانگان، مبارزات آزادیبخش ملی خویش را به اشکال مختلف دنبال کردند.

پیکار ملی خلق کوریا در سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۲ تحت تاثیر جهانبینی علمی واوضاع جدید بعد از جنگ اول جهانی بطور منظم وسیستماتیک آغاز گردید. اشغالگران جاپانی در راه قلع وقمع جنبش آزادیبخش ملی مردم کوریا از هیچ نوع خشونت و قساوت دریغ نکردند، زندانها را از آزادیخواهان پر نمودند وبسیاری از وطنپرستان کوریائی بطرز وحشتناک وبیرحمانه‌ئی اعدام واز بین برده شدند. آنها امکان هر نوع فعالیت قانونی را ازمردم کوریا سلب کردند. جبر و تشدد استعمار گران جاپانی خلق کوریا را مجبورساخت که تحت رهبری زعیم ملی وانقلابی خویش (کیم ایل سونگ) طرق دیگری را جستجو نمایند. آنها در سال ۱۹۳۲ اردوی گوریلائی متشکل از فرزندان کار گران ودهقانان کوریا راتاسیس نمودند.

همین اردو بود که به کمک قشون اتحاد شوروی درسال ۱۹۴۶ با شکست دادن جاپان، استقلال کوریا را در شمال خط ۲۸ درجه عرض–البلد بدست آورد.

جمهوریت دموکراتیک توده ای کوریا از سال ۱۹۴۶ باینطرف واز زمانیکه زمام امور آنکشور بدست خلق افتید، به ترقیاتی نایل گردید که در تاریخ آن سابقه ندارد. تولیدات صنعتی بیش از (۴۰) برابر گردید. در ساحهٔ زراعت پیشرفت–های زیادی نصیب مردم کوریا شد و امروزه آنها میتوانند نیاز مندیهای شانرا از نظر خوراکه ومایحتاج مواد خام صنعتی تأمین نمایند.

در زمینهٔ معارف ترقیات مردم کوریا بی سابقه است، چنانکه ۲ر۶۰۰ر۰۰۰ طفل وجوان جمهوری توده‌ای کوریا در۹ر۲۶۰ موسسه تعلیمی مصروف تعلیم وتحصیل مجانی می–باشند. این ارقام برای (۱۲) ملیون وهفتصد هزار نفرنفوس جمهوریت دموکراتیک کوریا درمقایسه با ۷۲۲۶ موسسه تعلیمی برای بیست و یه‌ملیون وهشتصدهزار نفر نفوس کوریای جنوبی بذات خود گویای تفاوت عظیمی در سویهٔ پیشرفتها وترقیات بین دو کوریا واصالت راه رشد جمهوریت دموکراتیک توده‌ای کوریا نسبت به راه رشد کوریای جنوبی است.

درپروگرام ده فقره‌ئی جمهوریت دموکراتیک کوریا نکات عمدهٔ آنرا صنعتی‌ساختن کشور، تقویه ظرفیت دفاعی آن ووحدت کوریا تشکیل میدهد، تاکید میگردد که باید تولیدات صنعتی کشور در چند سال معدود آینده دو چند گردد و در ساحهٔ زراعت آن انقلابی بوجود آید. همچنان به صنایع سنگین بازهم حق قدامت داده شده است.

امروزه هدف پلانهای زراعتی در جمهوریت دموکراتیک توده‌ای کوریا تنویر تمام روستا–های این کشور به نور برق (اکنون ۹۸ر۲ فیصد از قراء آن دارای برق می‌باشد)، میکانیزه کردن و استعمال هرچه بیشتر مواد کیمیاوی در زراعت می باشد.

کیم ایل سونگ رئیس حزب کار وصدراعظم جمهوریت دموکراتیک توده ای کوریا می–گوید: «بلند بردن سویهٔ زندگانی مردم وظیفهٔ درجه اول حکومت است. مبارزهٔ مادرراه تعمیر سوسیالیزم و... از خود هدفی دارد وآن عبارت از بر آوردن کامل نیاز مندیهای مادی ومعنوی مردم، تامین فرهنگ وسعادت برای همه می باشد».

حزب کار جمهوری دموکراتیک توده ای کوریا در تحقق و اجرای پروگرام اقتصادی، ترقی علمی وفرهنگی و پیشبرد امور سیاسی وایدئولوژیکی بر اساس پرنسیپ حل مستقل پرابلمهای انقلاب، ساختمان سوسیالیزم، اتکاء به‌خود، تطبیق خلاق، نه جزمی جهانبینی علمی و بکار بردن تجارب دیگر کشورهای سوسیالیستی مطابق‌به شرایط مشخص تاریخی و سیمای خاص کوریا عمل می کند.

کیم ایل سونگ درین مورد می–گوید: «مقصد ما از ایجاد اقتصاد مستقل ملی‌به نیروی خود، این نیست که روابط اقتصادی بین‌المللی رد گردد و هر چیز مورد ضرورت را خود ما تولید نمائیم ...ما در تجارت خارجی خود به بازار جهانی سوسیالستی اهمیت درجه یک قایل می باشیم» وی می گوید: «مبارزه علیه امپریالیزم واستعمار رهنمای عمل همهٔ کشور های برادر که‌منافع‌مشترك‌در (تعمیرسوسیالیزم) دارند می باشد».

جمهوریت توده ای کوریا خود خواهی تنگ نظرانه ناسیونالستی را درمناسبات اقتصادی ردمیکند. جمهوریت توده‌ای کوریا در سال ۱۹۶۷ قرار داد دفاعی جدیدی رابا اتحاد شوروی امضا نمود.

مراسم جشن اول می

روز همبستگی کارگران جهان

دربرخی از ولایات ومراکز صنعتی کشور

درکاپیسا

شاگردان لیسه میر مسجدی بخاطر تجلیل روز جشن پر افتخار کارگران جهان وگرامی داشتن سنن مبارزات کارگری کشور و بخصوص نهضت اعتصابی پر جلال کارگران فابریک بزرگ نساجی گلبهار درسال گذشته، به ساعت هشت صبح ۱۱ ثور (اول می) درحیاط مکتب متینگی را تشکیل و درحالیکه لوحه ها وشعارهای متعددی را در دست داشتند، بسوی محله کار–گران وفابریک نساجی گلبهار به–حرکت افتیدند.

کار فرمایان زورگوی فابریک با همکاری بیدریغ مقامات مربوط حکومتی به منظور جلو گیری از اشتراک کارگران رزمندهٔ گلبهار درتظاهرات اینروز «تدابیری» رااتخاذ کرده بودند که این روش مقامات حاکمهٔ کشور در ولایت کاپیسا و دسایس قبلی که منجر به زندانی شدن (قدوس کارگر) واخراج عده ئی ازکارگران وطنپرست فابریکهٔ گلبهار گردیده بود، ازطرف تظاهر کنندگان مورد اعتراض واقع شد.

تظاهر کنندگان درحالیکه فشردگی، نظم و انضباط را تا اخیر در صفوف مظاهره حفظ کردند با دایر کردن متینگها، ایراد بیانیه های آتشین و شعار های مطروحه به تجلیل روز اول می پرداختند.

تظاهر واجتماع فرزندان رزمنده و دلیر خلق کاپیسا به ساعت دوازده ظهر با صدور قطعنامه ئی خاتمه–یافت.

درجبل السراج

شاگردان لیسه جبل‌السراج به همراهی عده‌ئی از کارگران، روز اول می (۱۱ثور) روز همبستگی کارگران جهان را بادایر کردن متینگی تجلیل کردند.

از طرف اشتراک کنندگان درمتینگ روش محافل ارتجاعی وکارفرمایان که به زور، تهدید وحیله مانع‌اشتراک عده زیادی ازکار گران در متینگ ومظاهره گردیده اند، تقبیح‌ومحکوم گردید وشعار ها ئی‌به خاطر این‌روز پرشکوه به پشتیبانی از کارگران رزمندهٔ کشور داده شد.

درشهرهرات

شاگردان دارالمعلمین ولیسه‌های هرات، صبح روز (۱۱) ثور باروحیهٔ اتحادوهمبستگی، تظاهرات‌باشکوهی رابه خاطر تجلیل از روز اول می، روز همبستگی کار گران سراسر جهان براه انداختند. در جریان تظاهرات اخلال گران و ماجرا جویان انقلابی نما دست‌به تفتین‌واخلالگری زده تلاش ورزیدند تا در صفوف مظاهره چیان رخنه ئی وارد کرده، عده ئی ازآنانرابه تجرید از مردم بکشانند، معهذا این‌مظاهره درمجرای واقعی خود، در میان مردم وباپیوند با مردم برگزار گردید.

در جریان مظاهره متینگهایی دایر وبیانیه های پر شوری از طرف شاگردان و برخی از کارگران آگاه ایراد وبه پشتیبانی از کارگران وبه خاطر گرامی داشتن‌روز اول می شعار های باحرارتی داده شد.

تظاهر کنندگان نسبت به حبس خود سرانه وغیر قانونی ودسیسه آمیز سه تن از فرزندان صدیق‌هرات (عبدالعلی کار گر، غلام فاروق‌محصل وغلام سخی دهقان) اعتراض‌کردند.

په‌ننگرهارکی

زمونږ خبریال له ننگرهارنه خبر راکوی چه‌دمی لومړی‌روځ‌په ننگرهار کی دننگرهار دپوهنتون‌دمحصلینو دمعارف شاگردانواو د جلال کوټ دښاریانو له‌خوا دافغانستان دخلک دموکراتیک دجریان په‌لار ښوونه ونمانځل شوه. مظاهره د سهار په نهوبجو په شاوخوا کی دننگرهار له پوهنتون نه ووتله اود ښار په لور روانه شوه. په مظاهره کی ژوندی دی‌وی دخلک دیموکراتیک جریان، لوړ دی‌وی دخلک دموکراتیک‌جریان پرچم! اود می دورځی دجشن‌متعلق شعارونه ورکول کیدل.

زمونږ خبریال زیاتوی چه‌مظاهره په زیات نظم‌او دسپلین سره دورځی په‌دوولس بجو ختمه شوه.

سوگند

بتو ای رفیق همرزم بتو ای‌دلیر بی باك!
که چو شعله سر کشی تو وچو موج نرم وچالاك،
که چو بحر پر درونی و چواشك چشم من پاك،
که چو باده پر غروری، زکرم‌خمیده چون تاك،
بشرافت توسوگند!
بشهامت تو سوگند!
برهی که رفته یی تو، که ره‌نجات خلق است،
که اگر مرا بسوزند وتنم کنندصدچاك
زره تو بر نگردم!
زپی تو بر نگردم!
سرمن نثار این خلق، تن من‌فدای این خاك!

از: اسکاف

توقیف تحریك آمیز سه نفر از

«کانکور زدگان»

طوریکه خوانندگان ارجمندما اطلاع دارند، فارغ التحصیلان صنوف دوازده لیسه های مرکز و ولایات کشور که در اثر سیستم غیر عادلانه کانکور شمول درپوهنتون از حق تحصیلات عالی‌محروم گردیده بودند، به‌مبارزات قانونی خویشتن دردفاع ازین حق مسلم خود ادامه دادند، چنانکه مبارزات معقول و قانونی ایشان بر ولسی جرگه افغانستان تاثیر افگنده و آنرا واداشت که به نفع جوانان فارغ–التحصیل لیسه ها، فیصله ایرا اتخاذ نماید، بطوریکه در اثرآن عدهٔ دیگری از فارغان مذکور میتوانستند برای ادامهٔ تحصیل فرصتی بدست آورند، ولی مقام مسؤول وزارت معارف، علی‌رغم فیصلهٔ صریح و روشن و لسی جرگه، در برابر شمول جوانان به پوهنتون از خود مقاومت و سماجت نشان داده، به اعمال غیر قانونی وخود سرانه یی دست زدودر غیاب شاغلی صدراعظم بشکل تحریك آمیز و خلاف قانون سه تن از جوانانرا به‌هنگام‌اجتماع مسالمت آمیز وقانونی آنان، بخاطر دفاع از حقوق ادامه تحصیلات‌عالیتر، باز داشت کرد.

مقام‌مسئوول وزارت معارف بااین شیوهٔ خودسرانهٔ خود در حالیکه فیصلهٔ‌صریح‌ولسی جرگه‌را بکمك به اصطلاح مقامات امنیتی (!) کشور زیرپا گذاشت، صریحاً خلاف‌روحیهٔ قانون اساسی افغانستان عمل کرد.

پرچم: در حالیکه حقوق مسلم صنفی‌جوانان وفارغ‌التحصیلان‌لیسه–های مرکز وولایات کشور را تائید می نماید، بروش خشن و غیر قانونی و ضد دموکراتیك مقامات مربوط دستگاه حاکمه درین زمینه اعتراض میکند و خواستار رها ئی هرچه زودتر جوانان زندانی معارف و پوهنتون است.

(بقیه ص ۳)

تراژیدی سیلا بها...

تلختر به کام پر مرارت زادگان‌رنج و بدبختی این دیار فرو ریخته است. سرك عمومی شبرغان – اندخوی نیز طعمهٔ سیلابهای سهمگین ورنج–انگیز گردیده و عبور و مرور را بر ساکنان این دیار ناممکن‌ساخته است.

اصلا سه دریای شبرغان‌ازکوهستان–های آبخیز و فیض بخش سر پل سر چشمه می گیرد ودر پای واحد سر پل در شبرغان به سه بخش انقسام می پذیرد، در زمان آبخیزی بند خامه از جا کنده شده و آب‌دریای که اراضی گرد ونواح شهر راآبیاری می کند بدریای خواجه دوکوه سرازیر می شود، ومصیبت بزرگی برای ساکنان این منطقه که با دریا پیوند حیاتی دارند، پدیدمی آورد.

هر سال این بند چند بار مورد تهاجم قدرت خرابکار سیلاب قرار می گیرد، سیلاب بند خامه راآسان به کام می کشد و یك دنیا زجر وسیه بختی درقبال‌می‌آورد. بامخارج هزاران افغانی بند خامهٔ دیگر ایجاد می‌گردد. تاطعمهٔ‌سیل‌سهمگین وبنیاد کن دیگر شود.

این تراژیدی سالهاست که مردم را عذاب میدهد، ولی سرپنجهٔ عمال دولت فاقد قدرت گره کشائی بکار مردم شریف ماست، لهذا این بند پخته نمی شود و فریاد خلقهای شریف و زحمتکش را سوزنده تر بلند می سازد.

مسئوول این همه نا بسامانیها ی موحش و بدبختی آفرین، مقامات غفلت کار و خودسر دستگاه حاکمهٔ کشور است. **انگوت از جوزجان**

اظهارات لئونید برژنف بمناسبت روز اول می

لئونید بریژنیف منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست‌اتحاد شوروی طی بیانیه ئی به مناسبت جشن‌اول می درمیدان سرخ، به نمایندگی از کمیتهٔ مرکزی، هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی و حکومت شوروی چنین اظهار داشت: «درروز می ما همه، اشتراك خودرا با برادران طبقاتی خویش در دیگر کشور ها، باهمهٔ آنچه که در جهان معاصر محق و مترقیست بانیروی خاص احساس می‌نمائیم». وی‌ضمن تبریك جشن می به کار گران و خلقهای زحمتکش کشور ها ی سر ما یه–داری گفت: «ما، مردم شوروی عمیقاً معتقدیم که‌مبارزهٔ عادلانهٔ آنها بر ضد استبداد واستثمار، به خاطر آزادی و خوشبختی خلق کار گر پیروز میشود». موصوف باتمجید از خلقهائیکه بر ضد ستم ملی مبارزه می کنند اظهار داشت: «همدردی و پشتیبانی مردم شوروی همیشه با آنها خواهد بود، وطن–پرستانیکه درویتنام برضد تجاوز–کاران امپریالیست می جنگند، همچنان خلقهای عرب که بر ضد امپریالیزم و به خاطر حق حاکمیت شان مبارزه می کنند، اردو های آزادیبخش انگولا و موزنبیق، مردمانیکه یوغ اسارت استعمار را به دور انداخته و راه رشدمستقل رادرپیش گرفته اند ازاین حقیقت بخوبی آگاهند». وی گفت: «اتحاد–شوروی از مرام صلح وامنیت ملل واصول همزیستی مسالمت آمیز بین دولتهای دارای سیستم های اجتماعی مختلف حمایت خواهد کرد. ما طرفدار حل پرابلم های حل ناشده ازطریق‌مذاکره می‌باشیم، ما یقین کامل داریم که هر گاه همه نیرو های صلحدوست در مبارزه‌به خاطر این مقاصد دور هم جمع شوند، صلح حفظ خواهد شد...»

تظاهرات محصلان ومتعلمان امریکائی بمناسبت روز اول می

نیویارك: محصلان مترقی‌ایالات متحد امریکا روز اول می رابا ابراز عکس العمل های شدیدبر ضد جنگ وتفوق نژادی تجلیل کردند.

محصلان تقاضای شدید خود را برای دموکراسی کردن تعلیمات عالی آنکشورابرازنمودند. میتنگهای وسیع وبا شکوه، اعتصابات و تظاهرات عظیم در بسیاری ازمکاتب عالی وپوهنتونهای امریکائی‌صورت گرفت.

– بیش از یکصد وپنجاه محصل پوهنتون کلولمبیا از آغاز روز اول می به منظور شمول عدهٔ کثیری از متعلمان سیاهپوست‌وپورتو ریکائیها در پوهنتون ها به اعتصاب نشستن دست زدند. محصلان در دوعمارت پوهنتون‌برای‌مقامات مربوط‌پوهنتون که اشتراك کنندگان در تظاهرات را به محاکمه تهدیدمینمودند، مشکلاتی ایجاد کردند. آنها خاطر نشان ساختند تا وقتیکه به خواستهای‌شان جواب مثبت داده نشود، عمارتی را که‌اشغال‌کرده‌اند، ترك‌نخواهد کرد.

– مقامات مربوط پوهنتون ستانفورد کلوفرنیا بیش ازیکصد نفر پولیس را به پوهنتون فرا خواندند تا اجتماع محصلان را که تحت شعار ضد جنگ تشکیل شده بود، پراگنده سازند، ولی میتنگ همچنان ادامه یافت و محصلان به دلیل اینکه پوهنتون مذکورمصروف اجرای فرمایشهای وزارت دفاع امریکا میباشد، از رفتن به صنوف امتناع ورزیدند. محصلان تصمیم خودرا مبنی بر ادامه مبارزه بر ضد شیوع ملیتاریزم در موسسات‌تعلیمی امریکا اعلام داشتند.

– مبارزات طولانی محصلان پوهنتون مشیگان سر انجام به موفقیت انجامید. مقامات پوهنتون اعلام داشتند که حاضر اند به بسیاری از خواستهای محصلان پاسخ مثبت دهند و مصئونیت آنهائی را که در اعتصابات سهم گرفته بودند، تضمین نمایند.

– همچنان موج های عظیمی از تظاهرات محصلان پوهنتون ها ی هاروارد، اند یانا و مکتب عالی شهر نیویارك و دیگر موسسات‌عالی درایالات متحده امریکا نیز به‌همین منظور براه افتید.

اعتصاب شاگردان ښوونځی

ابن سینا

شاگردان ښوونځی ابن سیناجهت تامین پاره ئی از خواستهای صنفی شان از تاریخ ۱۵ ثور به اینطرف (۲۰ ثور) در حالت اعتصاب بسر می برند.

شاگردان ښوونځی‌در وضع‌خاصی اعتصاب را چنان تحت نظم وکنترول در آورده اند، که در نوع خود ش ابتکاریست قابل تذکر.

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر: سلیمان لایق
تیلفون: ۲۳۱۶۴
دیوی گڼی بیه ۲ر۵۰ – افغانی

مطبعه دولتی

هلمند

باید قوانین ضد دموکراتیک- ضد خلقی

وضد ارزشهای دموکراتیک قانون اساسی لغو گردد!

ما بارها اعلام کرده ایم که باید علیه قوانین و مقرراتی که مناقض آزادیهای مصرح در قانون اساسی است‌ و حقوق و آزادی‌های‌ دموکراتیك‌ افراد کشور را نقض می کند، در چوکات اصول مبارزه کرد .

مقامات حاکمه‌ افغانستان میکوشند از یکطرف خلاف حکم مادۀ(۱۲۸) قانون اساسی ، قوانینی را که قبل از انفاذ قانون اساسی باماهیت ارتجاعی و غیر دموکراتیك‌ نافذ بود ، علی رغم تناقض‌ صریح‌ آن با ارزشهای دموکراتیك قانون ‌اساسی همچنان پا برجا نگهدارند تا امکان داشته باشند آنجا که منافع شان ایجاب می نماید آن را دربرابر حقوق و آزادی های‌ دموکراتیك‌ افراد استعمال کنند واز جانب دیگر تلاش می ورزند با ایجاد قوانین‌ ومقررات جدید ، حقوق و آزادی‌های دموکراتیك مردم را به شکل توطئه آمیزی تحدید نمایند .

مامی خواهیم درینجا با نشر یك‌ سلسله تحلیلات حقوقی پرده از روی‌ ماهیت قانون گذاری قانون–گذاران دستگاه حاکمه بر داریم، تامواد اساسی مبارزه در برابر قوانین‌ ومقررات فرتوت و ضد ارزشهای مثبت قانون اساسی و ضد آزادی‌های دموکراتیك مردم را درپیشگاه‌ خلق و به‌ خاطر مبارزه روز مره گذاشته باشیم .

مادۀ (۱۲۸) قانون اساسی حکم می‌کند: «قوانینی که‌ قبل از تاریخ انفاذ این قانون اساسی صادر گردیده به شرطی نافذ شمرده می‌شود که مناقض احکام این قانون اساسی نبوده و قوانین جدید را الغا نکرده باشد » ولی هیأت حاکمه افغانستان بنابر خصلت ضد دموکراتیك و ضد خلقی و با وجود «نشخوار» مکرر «تطبیق و احترام به قانون اساسی» درجهت مخالف آن عمل می کنند .

طرزاستفاده از احکام قوانین ووضع قوانین غیر دموکراتیك به صورت عمدی و توطئه امیز ، نشانه بارز اختناق با صطلاح «قانونی!» و آزادی های دموکراتیك است .

در جوامع مبنی بر ظلم واستبداد مانند افغانستان قوانین جز آلۀ تطبیق‌ مقاصد منفعت‌ جویانه‌ وبی‌ شرمانه اقلیت‌ ممتاز وحاکم‌ برسرنوشت‌ جامعه چیز دیگری نیست .

بنا بر اصل فوق ، اسنادومدارك فراوانی بدست است که قوانین مناقض با قانون اساسی قوت «قانونی!» داشته وبا کمال جسارت و بیترسی از روز قضاوت ملی ، تطبیق آنها فرمایش داده می شود . **حفظ این وضع** شرم آور و قرون وسطائی حرص وولع هیات حاکمه‌ را اشباع نتوانسته ، برای منکوب نگهداشتن آزادی های طبیعی و مصرح در قانون اساسی خلقهای کشور ما، قوانین بسیاری‌ متناقض با قانون اساسی تدوین ودر معرض تطبیق گذارده شده و هدف عمده از وضع چنین قوانین خصومت‌ با آزادی های مصرح در قانون اساسی و دموکراسی است .

ارتجاع سیاه‌ افغانستان ازاستقرار این وضع ، از یك طرف برای سرکوبی افراد، گروهها ویا جمعیت–هائیکه برای ایجاد یك دموکراسی واقعی مبارزه می کنند ، بهره‌ برداری می کند واز طرف دیگر به حیث سلاح تهدید ، رعب ووحشت علیه نیروهای تحول طلب وطن پرست وضد ارتجاع استفاده می نماید .

اصولنامه جزای‌ مامورین و جرائم سایر اشخاص علیه «امنیت‌ ومنفعت عامه» که‌ بعداز جوزای سال ۱۳۴۲ یعنی یك‌ سال وسه‌ ماه قبل از نشر قانون اساسی جدید در عرصۀ تطبیق گذارده شده و جمعاً محتوی بیست‌ و یك مورد صرف اعدام‌ برای مامورین و سایر مردم می باشد، قبل از همه مرام های شوم طبقۀ حاکمه را تامین می‌کند ، این اصولنامه نه تنها مناقض قانون اساسی میباشد ، بلکه احکام مواد اسارت‌ آور آن‌ در زندگی اجتماعی ، سیاسی و اداری همه مردم ما «خاصه مردم بیوسیله و مامورین‌ پائین رتبه» دخالت مستقیم داشته و روزانه بر صدها نفر باساس آن احکام جزائی صادر میگردد ، بنابرآن ازهمه اولتر به ارزیابی‌ اصولنامه‌ مذکور میپردازیم.

اصولنامۀ امنیت عامه :

اصولنامۀ جزای جرائیم مامورین، دارای دو بخش مربوط به مامورین‌ و سایر اشخاص بوده که تبعیض آشکار بین مامورو سایر افراد مملکت در تشخیص جرم و تعیین جزا ، تفکیك مواد جزائی برای مامورین ودیگرافراد درمقابل جرائیم مربوطه به مصالح عامه ، محروم نمودن مامورین از داشتن مرام واهداف مشترك و بالاخیر تثبیت جزا های طاقت‌ فرسا و ضد کرامت بشری ، ضددموکراتیك و ضد قانون اساسی ! از مختصات آن به شمارمی رود .

مادۀ (۸۳) اصولنامه امنیت عامه تصریح می کند :« اگر سه نفر از» مامورین دولت و یا زیاده از آن وظیفۀ خود را ولوبه‌ صورت استعفا باشد باتفاق همدگر و یابه قصدنیل یك مرام مشترك ترك گویند ... هر یك به حبس از سه ماه تا یك سال یابه پرداخت جریمه از سه تا پنج هزار افغانی محکوم می گردد » .

درین جا سوالی مطرح می گردد که چرا گروه‌ حاکمه ارتجاعی‌ ازاتحاد، اتفاق وداشتن مرام مشترك حتی‌ سه نفر مامور ترس ووحشت دارد و روی چه منظوری نصوص صریح قانون اساسی را معلق گذاشته ، به‌ تطبیق احکام اصولنامه امنیت عامه . با وجود ضد دموکراتیك بودنش، عمل می کند ؟

جواب ساده و روشن است ! دستگاه روبه زوال حاکمه برای حفظ منافع تنگ نظرانه خود نه تنها از فقر کشنده اقتصادی اکثریت مامورین بهره‌ برده است، بلکه درعین حال چرخ فاسد اداری را نیز به قیمت سلب حقوق طبیعی و قانونی آنها اداره نموده و ماموریت دستگاه رابه‌ بردگی فکری‌ تنزل داده است .

آزادی تشکل ، اتحاد ، داشتن مرام مشترك که مطابق به احکام مادۀ (۳۱)و (۳۲) فصل « حقوق ووظایف اساسی مردم» در قانون اساسی، حق مسلم اتباع افغانستان شناخته شده ومامورین نیز جزء اتباع افغانستان اند ، در قانون امنیت‌ عامه جرم تلقی گردیده و درمواقع‌ وحالات خاص ، تطبیق حکم مادۀ (۸۳) اصولنامه امنیت عامه را دستور میدهند .

البته برای جبران این حق تلفی نا بخشودنی بزعم خودشان موادی هم در اصولنامه امنیت عامه درنظر گرفته شده که مطابق با مادۀ(۱٤۱)، (۱٤۲) و(۱٤۳)، اصولنامۀ مذکور کسی حق ندارد مامور دولت را در حین اجرای وظیفه توهین نماید، مقابل اوامر قانونی مامور مقاومت کند و یا موجب ضیاع «انرژی» مامور شود .

همه میدانند که‌ این امتیاز در انحصارمامورین ستمگر و عالی‌ رتبه و مامورین پاسبان منافع آزمندانه طبقه حاکمه قرار دارد . سیستم حقوقی فرسودۀ ما عاجز تر از آن است که برای مامورین پایان رتبه و شریف «حیثیت» و «انرژی» تدارك نماید .

دستگاهیکه می لافدکه‌ جلوتوهین مامورین را گرفته ویا تظاهر می‌کند که گویا به انرژی ماموران علاقمند است، بایدبدانند که «اشك تمساح» به حال مامور ریخته و خود عامل عمدۀ ضیاع انرژی آن ها به شمار می رود و روزانه صد ها توهین آشکار به مامورین پائین رتبه روا میدارد .

اصولنامه امنیت عامه برای قشر مسلط به سرنوشت مردم‌ امکانات وسیعی داده و خائینین بیت المال و دارائی های عامه مربوط باین قشر را ، مجال هرچه بیشترخیانت داده است . مثلا ماده (۸۰) اصولنامه امنیت عامه تصریح می‌نماید :«هر مامور دولت که از اموال منقولی یا غیر منقولی دولت برای منفعت شخصی خود مخالف‌ قانون‌ استفاده نماید به جبران خساره وارده‌ بدولت و به جزای یك سال تعطیل ملازمت محکوم می گردد » اما ، مادۀ(۱۱۳) اصولنامه مذکور حکم می کند: «هر مامور دولت و هر شخصیکه اموال نقد یا جنس دولتی در نزد او به صیغه امانت ، تحویل ...واو اموال مذکور را اختلاس نماید به رد مال اختلاس شده و به پرداخت جریمه معادل قیمت آن و به حبس از سه تا هفت سال با اعمال شاقه یا بدون اعمال شاقه محکوم می گردد » .

متن هردو ماده بیانگر عمل جرمی واحد و آنهم دستبرد به دارائی های عامه است ، پس چرا دریك‌ مادۀ‌ آنقدر جزای سنگین ودرمادۀ دیگر این‌ قدر گذشت و حاتم بخشی‌ صورت‌ گرفته؟؟ برای اینکه هیأت حاکمه به آن عدۀ مامورینی که‌ شریك زدو بند–های شان اندویا در جریان‌ تعقیب‌ و محاکمه بتوانند «شرف» اشتراك را حاصل نمایند راه گریز «قانونی!»، داشته باشد و آن ها ئیکه بخواهند به تنهائی دارائی عامه را هضم‌ نمایند ویا بعضا برسر بالائیها کلاه‌ بگذارند قانون را عملی کنند .

حکم مادۀ (۱۱۳)اصولنامه امنیت عامه واضحاً هوشیار باشیست‌ برای خائنین زرنگ و تردست ، برگ ساتریست برای پوشاندن خود–سریها و زدوبندها – شلاقیست کوبنده برای خائنین کند ذهن، ناشی وآنهائیکه می خواهند عاید خیانت تنها به جیب خودشان بریزد، واما حکم ماده (۸۰) اصولنامه امنیت‌ عامه، حکم‌ قانون است برای مختلسین و خائنین واقعی ، سابقه–دار و قانع به سهم خود از عاید خیانت .

«بحث ادامه دارد»

از (ص اول)

برنامه‌های نمایشی هرگز نمیتوانند...

سیاسی و اجتماعی اکثریت محروم وتحت استثمار کشور عقب ماندۀ مانرا گرفته باشند وبتوانند چند صباح دیگر به غارتگریهای خویش ادامه دهند. ورنه سهل است‌ ومیتوان با ایجاد قوانین‌ و مقررات دموکراتیك وملی وطرح برنامه های مترقی‌ علمی وبا اعتناء به آزادی تدریس واحترام به پرستیژ‌ وحیثیت‌ معلمان و استادان شریف‌ وفداکار، وطنپرست وترقیخواه کشور، تهیه وسایل انکشاف ذهنی ومعلومات عالیتر علمی برای آنان وهمچنان پر داختن به تامین حیات مرفه، آبرومند و در خورشان ایشان وبالاخره بالحمایت راستین وعملی ازین گروه ارجمند و موثر درتسریع تکامل سویه علمی وفرهنگی جامعه، خدمتی سزاوار به‌ احیا وایجادفرهنگ ملی و مترقی در مملکت انجام داد.

معهذا، عاملان دستگاه حاکمه‌ بجای اینکه باین امور حیاتی بیندیشندو جهت تامین حقوق وآزادیهای دموکراتیك معلمان واستادان‌ شریف ووطندوست کشور گامی مثبت‌ وعملی بردارند، پردۀ استتاری‌ از سروصدا–های تبلیغاتی وبرگزاری مراسمی به‌ عنوان به اصطلاح «روز معلم» که این روز ها هنگامۀ آن‌ در محافل «علمی وفرهنگی» کشورما گرم‌ است، برروی ماهیت ارتجاعی وضدفرهنگملی‌ ومترقی خویش میکشندو تصور میکنند صرف باترتیب برنامه های‌ نمایشی ومحافل ساز‌ وسرود میتوان به حال استادان و‌معلمان ناتوان کشور پرداخت و گرهی از مشکلات‌ بیشمار آنان‌ کشود.

معلمان فداکار، استادان شریف ووطنپرست !

این دوای دردهای روانکاه شما نیست. باید به خاطر تامین حقوق صنفی معلمان و ایجاد اتحادیه ها، کلپها و انجمنهای‌ دموکراتیك، بخاطر آزادی تدریس دانش مترقی، بخاطر احیا وانکشاف فرهنگ ملی وطرد استعمار پلید فرهنگی کشور های امپریالیسی‌ وبالاخره بخاطرایجادزمینه های‌ مساعد برای‌ رشدشعور طبقاتی، سیاسی واجتماعی معلمان واستادان شاگردان و محصلان زحمتکش و ستمدیدۀ کشورمتشکل‌ شد ومتناسب به شرایط مبارزه کرد ودر جنبش آزادی بخش ملی و اجتماعی کشور فعالانه شرکت جست.

نامه هائی از خارج :

زنده وجاوید باد مردم زحمتکش

افغانستان!

پیوسته موجی ازنامه های لبریز ازاحساسات‌ وطنپرستانه‌ وترقیخواهانه ازدوستان پرچم خلق ، ازخارج و داخل کشور به عنوان دفتر جریده واعضای فرکسیون پارلمانی جریان دموکراتیك خلق افغانستان میرسد که‌ هریك از آنها به نحوی از انحا بگوشه‌ ئی از نشرات‌ پرچم خلق (ناشر اندیشه های‌ دموکراتیك خلق افغانستان)ومبارزات‌ پارلمانی وخارج پارلمانی ما علاقه و تماس گرفته ، آنرا تائید واز جریان پیش‌ آهنگ طبقه کارگرکشورحمایت وپشتیبانی‌ خودرا ابراز میدارند .

ما بر آنیم که‌ وصول این نامه‌ هااز طرف دوستان ارجمند خلق، نشانۀ درك سالم وعلایق خلل ناپذیرآنها به‌ نهضت رهائی‌ بخش ملی‌ واجتماعی، به‌ نحوه نشرات واصول مبارزات ماوایمان به حقانیت مبارزه درجهت تامین منافع خلق‌ ستمدیده‌ افغانستان ودرك ضرورت قرار گرفتن دریك سنگرو جبهه ایست که‌ ما بارها لزوم آنرا برای به پیروزی‌ رسانیدن‌ جنبش رهائی‌ بخش ملی‌ واجتماعی خلقهای محروم کشور تاکید کرده ایم، بنابرآن نشر کامل ویا قسمتی از آنرا در صفحات پرچم ، به‌ عنوان انعکاس مثبت مبارزات (جریان پیشتازدموکراتیك‌ خلق‌ افغانستان) واحساسات، افکار واندیشه های سالم دوستداران خلق‌ کشوربجا می پنداریم .

بهمین سلسله درینجا بصورت نمونه منحیث المجموع به‌ نشر قسمتهائی از دو نامه رسیده‌ ازخارج کشور می پردازیم که‌ به نمایندگی از محصلان افغانی درهامبورگ ، به‌ عنوان جریده پرچم‌ و فرکسیون پارلمانی جریان دموکراتیك‌ خلق افغانستان رسیده است .

* * *

بعنوان فرکسیون پارلمانی‌ جریان دموکراتیك خلق افغانستان !

«چندی قبل یکی از بیانیه های شما بدسترس اتحادیه رسید و در یکی از جلسات اتحادیه مورد بحث قرار گرفت که باعث افتخارودلگرمی وتقویه بیشتر اعضای اتحادیه درراه بهبودی وازبین بردن هرنوع‌ ارتجاع وقوای ضد دیموکراسی زحمتکشان وروی کار آوردن‌ سیستم‌ عالی‌ اجتماعی بشری به اساس قوانین دموکراسی برای سعادت اولادوطن گردید .

مفتخریم از اینکه جوانان ملی و حساس مملکت ، نمایندگان‌ حقیقی وپردرد ملت خود را از نزدیك به درد های ملی واجتماعی ایشان‌ آشنا نموده وریشۀ اصلی آنرا بطورعلمی تحلیل وتجزیه کرده ، برای ازبین بردن آن با عشق سرشار و عزم آهنین علمی وعملی اقدام نموده اند. ما همه نظریات شما را احترام‌ نموده راه نجات‌ ملت را در غیر سرمایه داری وغیر فئودالی مینگریم . برای حاصل نمودن این هدف لازم‌ میدانیم تا از همه اولتر بکمك‌ همدیگربکوشیم که اتحاد و اتفاق‌ رابین توده‌ های‌ مردم پهن نمائیم ... جوانان حساس و منور مملکت ، رهبران ملی وهمدرد درد مندان محروم به اهمیت ! این نقطه متوجه گردیده ، همه بایك‌ عزم متین‌ واراده‌ آهنین درراه عملی نمودن آن علماً وعملا قیام نموده وروزبروز بر تعداد خویش می افزایند ...

. . .امید واریم‌ که بقوت همدیگر روزی به هدف واقعی نایل گردیده ملت محروم وعقب افتاده افغان را از بد بختیها وبیچارگیهای‌ اجتماعی، ذلت وخواری ، محرومیتهای مادی ومعنوی ، طبقه بندی‌ مذهبی ونژادی (به نفع سرمایه داران بزرگ و...) کمپلکس های اجتماعی آقایی وغلامی نجات داده وکلید راه ترقی وسعادت ملت افغان را بدست توده های زحمتکش بسپاریم تاسرنوشت خود را خود تعیین نموده ، همه جا بدون استثنا در منافع ملی واجتماعی خویش مساویانه حصه گیرند .

... امید واریم تماس نزدیك و–عمیق اتحادیه با شما وهمه خواهران وبرادران وهمکاران محترم‌ که عین نظریات ملی ، اجتماعی وانسانی را در راه سعادت ملت ووطن تعقیب می نمایند ، باعث تقویۀ بیشتر در راه پیشبرد اهداف ملی واجتماعی وانسانی برای سعادت مردم ووطن گردد .

. . . در اخیر عمیق ترین احساسات اعضای اتحادیه را خدمت شما وجمیع خواهران وبرادران حساس وملی ، فدائیان راه حق ، مجاهدین ضد ارتجاع‌ وهر نوع‌ قوای امپریالستی وضد دموکراسی تقدیم نموده ، موفقیت مزید ایشانرا که مؤفقیت ملت است خواسته و–خواهانیم .

«زنده وجاوید باد مردم زحمتکش افغانستان »

* * *

بعنوان جریده پرچم –ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان

« چندی قبل چند شماره از اخبار شما به مارسید . آشنائی ومطالعۀ مضامین آن دلگرمی بیشتری در راه سعادت و بهبودی ملت ووطن بما عرضه نمود . بدین وسیله عمیقترین تبریکات خویش را بتمام جوانان ونمایندگان حقیقی مردم افغان در راه آزادی بیان ومفکوره تقدیم میداریم .

. . .اتحادیۀ ما با جمیع قوای خویش‌ کوشابوده ومیباشد تا با همه محصلین ومحصلات‌ افغانی‌ چه‌ درداخل وچه در خارج وهمچنان نیروها یی که در راه بهبودی مردم ووطن مصروف آماده نمودن وپیدا نمودن راه های انکشاف می باشند ، تماس نزدیك وعمیق حاصل نماید .امید–واریم قایم نمودن ارتباط نزدیك وعمیق اتحادیۀ مابا شما وجمیع همکاران محترم شما باعث آبادی یك خشت مستحکم دیگری درتعمیر دموکراتیك خلق افغانستان‌ باشد .

. . . در اخیر احترامات و–احساسات عمیق اعضای اتحادیه را برای جمیع برادران ودوستان‌ گرامی، آنانیکه قلوب حساس خویش را از درد دردمندان آگنده اند وبا جمیع قوای خویش در راه از بین بردن‌ آن مجادله می نمایند رسانیده ، موفقیتهای مزید ایشانرا خواسته وخواهانیم .

زنده وجاوید باد جوانان پر درد وفدائیان راه خوشبختی مردم .»

دزرمل دولسوالی خلک

خپل حقوق غواړي

مونږ دشور کچی ، محمدافضل ، عالیخیل ، نظر خان ، مریکڅ ، شراب الدین ، کرشو او میرجان–خیل کلی خلك چه تقریباً دوه سوه‌ کورنیوته رسیږو او زمونږ ځمکی‌ او کورونو دسردی دبند د کاسی تر اوبو لاندی شوی ، دحاکمی‌ دستگاه پر غیر عادلانه او غیرقانونی‌ اعمالو په کلکه اعتراض کوو .

انه کاله دمخه چه دسردی دبند‌ دپروژی‌ کار شروع‌ کیده ، مونږ پدی‌ خوشحال وو چه ددی بند دسر ته رسیدلو په نتیجه کښی به څه آبادشو ، مگرله بده مرغه دحکومتی‌ کارکوونکو طرز العمل دهغو خلکو په مقابل کښی چه خپلی ځمکی او کورونه یی د بند په کاسه کی له‌ لاسه ور کړل ، مونږ نا امیدکړو .

کله چه لومړی حکومتی هیأت زمونږ دکورونو او ځمکو دبر آورد او قیمت ایښودلو له پاره زمونږ سیمی ته راغی نو دطمعی اورشوت جیبونه یی خلاص کړل او تر هر څه دمخه یی تقریباً دهریوه اوسیدونکی دوه حصی ځمکی مخروبه او یوه حصه یی دخښتن په نوم ثبت کړل او دخوار ولس د زاریو په مقابل کښی یی‌ به داگه وویل چه یواځی د روپی یعنی رشوه په بدل کی به مونږ خپله نظریه بد له کړو . خلکو وویل چه بابا دا مالیه ده ځمکه ده نا سوولی خرابه ولیکلی؟ خوددوی دآواز داوریدلو غوږ رونه کاږه وو.

وروسته یو بل هیات دکورونو د برآورد دپاره له مرکز نه راغی او دغه هیأت هم دتیر هیأت په شان په غیر عادلانه ډول په کار پیل وکړ اوکوم کور او حویلی به چه لس کوټی درلودی هغه به یی پنځه شمیرلی او دخلکو داعتراض او استغاثی په مقابل کی به یی په داگه وویل چه دزرو افغانیو دور کولو په عوض کی به دلس زره افغانیو بر آورد کړی . پدی صورت غریبو او ناداره خلکو په سلو کی پنځه‌ اویا خپل حقوق له لاسه ورکړی .

وروسته دسردی د بند آمریت خلکوته دنقل‌ مکان امر ورکړ اودا امر دژمی په لومړیو شپوکی په مظلوم ولس باندی لکه تندر نازل شو ، هماغه وچه دبند او به دآمریت په امر جاری شوی او په نتیجه‌ کښی یی ددوو کلیو فصلونه‌ تر اوبو لاندی کړل چه تقریباً دوو لکو روپو تاوان یی‌ خلکوته واړوه. دکلیواوسیدونکوپه ویراخته شول او دبند له آمریت څخه یی خیمی یو ړی او په دښتو کی میشته شول .

دمظلومو خلکو نماینده گان‌ کابل ته راغلل خو دلو یو بنگلو او لو یو مقاماتو خاوندانو دوی ته لاره ور نکړه ، یواځی ولسی جرگه‌ دخلکو تر عریضی لاندی دوموره ولیکل : «ترڅو چه دولس دسر پنا هی‌ لپاره کورونه او دزراعت لپاره ځمکی ور نکړی شی دسردی دبند آمریت حق نلری چه دوی په نقل مکان مجبور کړی » په نتیجه کی دمربوطه وزارت له خوا خلکوته ډاډ او وعدی ور کړی شوی چه ستا سو دځمکی اوکورونو دعادلانه بر آورد له پاره‌ به عادلانه اجراآت وشی هماغه و چه نوی هیأت زمونږ منطقی ته را ورسید ، مگر دغه هیأت هم دپخوانی هیأت په شان و ، یواځی یو شی په اضافه شو هغه داچه دسردی دبند آمریت له خلکو سره په‌ عناد او ضد یت پیل وکړ او امر یی وکړچه باید ټول کلی دی ژر تر ژره تخلیه شی او دا امر په ژمی‌ کی دخلکودقتل عام حکم درلود . خلکو دحکومتی هیأت په ځواب کی وویل چه دژمی په سړویخنوکی ځانونه ، مالونه او دژوند لوازم نشو خوندی کو لای او دولسی جرگی په فیصلی چه‌ دسردی بند دآمریت ته دوزارت زراعت په سلسله رسیدلی‌ ده ، استناد کوو . خو دغه «سند» هم ونشوای کو لای چه دخلکو دپاره آسانتیا وی‌ برابری کړی. له همدی کبله مو دپرچم اداری ته مو خپل آواز ور رساوه او غواړو چه ددی خلکی او ملی جریدی په وسیله خپل له دردو نه ډك غږ خلکوته ورسوو او د حکومت پردی ظالمو او رشوتخورو کار کوونکو باندی خپل له‌ کرکی‌ ډك اعتراض و کړو .

نمونه‌ ئی از انکشاف سلیم (!)

معارف در ولایت کندز

ازآنجاکه جریده پرچم انعکاس دهندۀ آرمانهای والای خلق است ، آرزوداریم این تذکر ما را در یکی از صفحات خویش بنشر بسپارد.

دستگاه‌ تبلیغاتی محافل‌ حاکمه‌ پیوسته‌ پیرامون معارف متوازن (!) حرافی‌ میکنند و میکوشند تا خود را هواخواه صدیق تعمیم معارف‌ در کشور نشان دهند وبزعم خویش بر روی‌ خصلت طبقاتی وملاکی آن پرده بیندازند وچهرۀ‌ نا مطلوب آنرابازرق‌ وبرق تبلیغاتی بیارایند ، غافل ازاینکه صد ها مثال زنده و گویا در رد این ادعای میان تهی‌ وعوامفریبانه‌ آنها به صورت عینی وجود دارد .

ازجمله وضع رقتبار شاگردان معارف ولایت کندز قابل توجه‌ است: درینجا، دردارالمعلمین‌ این‌ ولایت‌ صرف نظر از ذکر ماهیت فرهنگ‌ پوسیده ملاکی ، یك تعداد قابل ملاحظه از جوانان حساس وبا درد طبقات زحمتکش در سرائی گرد آورده شده‌ اند ، از چپرکت، بستر ، داکتر ودوا ، کتابخانه و مواد تدریسی اثری نیست و درد آور تر از همه اینکه شاگردان در اتاقهای نمناك وغیر صحی تدریس (!) می شوند و شبانگاهان در لای یك کمپل، در هر گونه شرایط ناگوار جوی برروی خاك می خوابند .

با وجود احساس‌ نیاز مندی شدید لیسه های دارالمعلمین ، شیرخان ، تخار ستان وبلقیس ولایت کندز به معلمان دارای تحصیلات عالی و با تجربه ووارد به اصول سیستم عصری‌ آموزش‌ وپرورش‌ حتی ازتدریس لیسانسه ها در لیسه ها جلو گیری میشود ، زیرا این امر به منافع متنفذین محلی‌ وسرمایه داران‌ معلوم‌ الحال این ولایت انطباق ندارد ، آنها ازانکشاف ذهنی و رشد شعور سیاسی فرزندان خلقها ی زحمتکش می هراسند وبا انواع وسایل میکوشند از ورود معلمان ورزیده و لیسانسه هائی‌ که میخواهند ازطریق تشبثات خلاق آموزشی با ایجاد کنفرانسها ونمایش درامه ها وغیره متعلمان را بزوایای تاریك حیات اجتماعی آشنا سازند وراه مبارزه علیه نا هموارینهای نظام فرسوده اجتماعی رابروی ایشان بگشایند، جلو گیری نمایند .

تازه‌ باینقدرهم اکتفا نمیشود ، بلکه به‌ صورت ماهرانه میکوشند بوسیله باندها ودارودسته ها ئیکه از ناز پروردگان طبقات‌ ممتازواستثمارگردر میان‌ لیسه ها، مخصوصاًلیسه‌ شیرخان بوجود آورده ومیآورند ، به مخالفت علیه افکار مترقی‌ ووطنپرستانه‌ برخیزند ، دست به اعمال تخریب‌ آمیز بزنند و بدتراز همه تخم نفاق و تفرقه را با ستفاده از وسایل و تبلیغات ظریفانه و گوناگون بین جوانان و فرزندان با درد و حساس طبقات زحمتکش بپاشند و هرگز باین نمی اندیشند که‌ بار مسئولیت عواقب وخیم اینگونه اخلال گریها و نفاق افگنیها ، بالاخره کمر عوامل ضد ملی وضد دموکراتیك‌ و دشمنان وحدت وهمبستگی و رشد سیاسی واجتماعی خلقهای ستمدیده‌ کشور را بطور وحشتناکی خواهد شکست .

این‌ بود شمه ئی‌ از آنچه بنام‌ تعمیم معارف (!) در کشور ما صورت می گیرد . گرچه ما عمیقاً عقیده داریم تا تغییر اساسی به نفع خلق‌ وبدست خلق در جامعه‌ ما نیاید ، تنهافرهنگ ودانش آنهم‌ باماهیت ووسایل‌ موجود نمیتوانند کاری را از پیش برد ، معهذا باید برای افشای چهرۀحقیقی معارف پروریهای(!) دستگاه حاکمه، برین حقایق تلخ روشنی انداخته شود .

ع . غ . پرواز از کندز

دردها، شکایتها واعتراضات خلق

هنرپیشگان ، ماموران فني و مستخدمان ریاست کلتور اعتراض میکنند

گروپی از هنرپیشگان آرزو مند، عده ئی ازماموران فنی و گروهی از مستخدمان مربوط «ریاست کلتور» به دفتر جریدۀ پرچم مراجعه واعتراض نامه ئی سپردند مبنی بر اینکه :

ایشان و رفقای همردیف آنان مدتیست به اصطلاح «اضافه‌ بست» گردیده واکنون سرگردان و بی‌ سر نوشت بایـن در و آن در میدوند.

تاسف آور است! بجای آنکه واقعاً زمینۀ رشد استعداد های جوان وخلاق فرزندان مستعداین سر زمین وتکامل فرهنگ‌ ملی در کشور تهیه دیده شود و لا اقل در حال حاضر وسایل احیاء وانکشاف ومعرفی هنر و فرهنگ ملی‌ و خلقی افغانستان مهیا گردد، یك عده از هنر پیشگان‌ جوان، باسابقه و پراستعداد و وطن که سالها ست به اتکای ذوق، استعداد وپشت کار شخصی خویش، با ابراز فداکاری وایثار متاع گرانبهای هنرواستعداد خود را در بازار کساد وبی رونق هنر ناشناسان کشور عرضه کرده اند ودر برابر آن به‌ نقد نا چیزی در امرار معاش قناعت ورزیده اند، بسر نوشت تاریك و مجهولی مواجه می گردند.

تعجب آور تر اینکه : کورسهائی بنام «آرت– دراماتیك» باطمطراق و سرو صدای تبلیغاتی عجیبی در «ریاست کلتور» افتتاح می گردد وعده ئی از جوانان بامید آینده ئی درخشان(!)، از تحصیل دررشته‌ های دیگر علمی وهنری صرف نظر می نمایند، تا روزی از طریق تیاتر وتمثیل بتوانند مصدر خدمتی بوطن محبوب خود شوند ، ولی علی‌ رغم وعده‌ های رنگین «ریاست کلتور» و آرزو های شیرین هنر دوستان، بالاخره این کورس‌ آرت– دراماتیك (!) بدون اکمال دوره تدریسی، تکمیل شده اعلام می گردد و شاگردان وهنر جویان جوانیکه ازهمه چیز بریده وبه هنر رو آورده بودند، باید بصف هنرپیشگان آواره به‌ پیوندند وهمچنان ماموران فني‌ و کار گران ماهریکه‌ درین صحنه دیگر نقشی ندارند وباصطلاح «اضافه بست» شده اند .

هنر پیشگان آرزومندوبا استعداد، ماموران فني‌ وکارگران ماهر «ریاست کلتور»، نسبت‌ باین سر نوشت مجهول و آوارگی بیدلیل‌ وهمچنان عدم اعتنای مقامات مسئول‌ بهنر، حیات و آیندۀ خویش شدیداً اعتراض می نمایند و جداً تقاضا دارند تا بموجب ماده (۳۷) قانون اساسی افغانستان که : «کار حق فریضه هرافغا نیست که قدرت اجرای آنرا داشته باشد ...» به ایشان کارداده شود .

اعتراض اهالی معارف دوست

زرغون شهر ولایت لوگر بر مقامات معارف کشور

اگر این مکتب است واین تدریس
حال طفلان خراب می بینم

زرغون شهر یکی از مراکز پرنفوس ولایت لوگر است . درین منطقه وسیع متاسفانه تنها یك‌ ښوونځی ابتدائی وجود دارد که به هیچوجه نمیتواند جوابگوی عطش‌ بی‌ پایان مردم معارف دوست این‌ گوشه کشور باشد وبنابر وجود سیستم‌ ناقص تدریسی ، فقدان مواد مترقی علمی وکمبود معلمان ورزیده قادرنیست استعداد های سر شار فرزندان این منطقه را به درستی‌ رهنمائی کند، مهمتر از همه‌ هر ساله یکعده از فارغان صنوف ششم آن درنیمه راه تحصیل ، بی‌ سرنوشت‌ می‌ مانند ، باین معنی که تنها چند تن از فرزندان مربوط به طبقات ممتاز زرغون شهر با اعمال نفوذواستفاده از پیوند های طبقاتی و منافع‌ مشترك با بیروکراتان فاسد دستگاه حاکمه، بسهولت میتوانندراه خود رابه‌ سوی ښوونځیهای متوسطۀ ولایت و مرکز کابل ویا لیلیه های پایتخت باز نمایند واز شانس ادامه تحصیلات عالی تر بر خوردار گردند، ولی متباقی پسران طبقات محروم وبی زر وزور وواسطه بی سر نوشت می مانند و اگر احیاناً عده انگشت شماری هم‌ سعادت‌ شمول‌ در ښوونځی متوسطه محمدآغه‌ رانصیب می‌ شوند، بنابر دوری راه وفقدان وسایل منظم حمل ونقل وعدم استطاعت مادی نمیتوانند به تحصیل ادامه بدهند ، لاجرم غیر حاضر می شوند ، ناکام می مانند وبالاخره بدستور مقامات معارف از ښوونځی اخراج می گردند وبصف بیکاران و محرومان می‌ پیوندند .

گردانندگان معارف کشور علی‌ رغم آنکه این حقیقت مشهود ونیازواقعی مردم را بخوبی درك و احساس میکنند ، بنابر ماهیت‌ معارف‌ طبقاتی وفرهنگ مسلط ملاکی نمیتوانند ویا نمیخواهند لااقل‌ با ارتقای ښوونځی ابتدائی زرغون شهر به یك ښوونځی متوسطه زمینۀ تحصیلات بالاتر رابه فرزندان مستعد طبقات محروم این منطقۀ پرنفوس ولایت لوگر مساعد سازند .

بنابرآن‌ مردم معارف پرور زرغون‌ شهر علیه این بی اعتنائی مقامات حاکمه نسبت به سر نوشت جگر گوشه های خویش، جداً اعتراض میکنند و ارتقای ښوونځی ابتدائی زرغون شهر رابه ښوونځی متوسطه مطالبه مینمایند .

حبیب زرغون شهری

سیلاب حیات اهالی شهرخان آباد را

بنابودی تهدید میکند

سیلبری که همه ساله در موسم‌ بارانی سال حیات اهالی زحمتکش شهر خان آباد را مورد تهدید قرارمیدهد، بر بالای شهر حاکم است. عمال حکومت تاکنون چندین بار بنام‌ اینکه سدی در محل سیلبر برای جلوگیری از خطرات سیل تعمیرمیکنند، از مردم ناتوان خان آباد به ملیونها افغانی‌ پول جمع کرده اند، معهذا هربارکه سیل عصیان کرده، بقیمت حیات‌ وضررهای جبران ناپذیرمالی برای مردم‌ شهرتمام شده است. چنانکه سیلی بتاریخ ۳۰حمل ۱۳۴۸ازین مجرا سرازیر شد ودرقدم اول پنج‌ دکان را در مندوی خان‌ آبادمنهدم ساخت، این حادثه بجای‌ اینکه مسؤولان امور را انتباهی دهد تابفکرچارۀ اساسی شوند، باز هم بشیوۀ همیشگی‌ در اندیشه پر کردن‌ جیبهای‌ خود شدند وباصدور امر مسدود ساختن دکانهای اهالی، مردم رامجبور کردند باز هم‌ پول بپردازند ومطمئن (!) باشند .

مگر باکمال تأسف بروز ٤ ثور ۱۳۴۸ بار دیگر سیلبر به‌ عصیانگری پرداخت ودرنیمه شب چندین‌ خانه‌ را از پای در آورد، زمینهای زراعتی را ویران کردودرحدود مقدار سی‌ خروار شالی را که‌ عده‌ ئی از زحمتکشان‌ بینوا بغرض پاك کردن به اجاره گرفته بودند، از بین برد و همه اهالی شهررا بوحشت وهراس مرگباری اندر ساخت .

شش روز ازین حادثه گذشت تاوالی ولایت کندز به شهر خان آباد رسید. اهالی شهر دریك اجتماع تقریباً یکهزار نفری «بحضور والی بار یافتند» تاحساب آنهمه پولهائی‌ را که‌ درگذشته‌ بغرض‌ اعمار سدی‌ اساسی برای‌ جلوگیری ازسیلاب‌ پرداخته‌ اند ، بگیرند ویا لااقل دربارۀ نجات آیندۀ خویش ازین بلای بی امان با او داخل مذاکره شوند، ولی جناب والی‌ بدون اینکه به مردم‌ مجال مشوره واظهار نظر دهدویا‌ باابرازهمدردی وهمکاری با ایشان بدلداری وتسلی آنان بپردازد ، اهالی درد رسیده رابه «بغاوت» محکوم ساخته ومردم رابه حبس وزندان تهدید کرد.

اینست نمونه‌ ئی از حسن روابط و همدردی دستگاه اداری ولایت کندز بامردم ستمدیده وزحمتکش شهر خان آباد .

اهالی نسبت‌ باین‌ وضع‌ غیر عادلانه وبی اعتنائی عمال دستگاه حاکمه بامور حیاتی خویش اعتراض میکنند وجداً میخواهند تاحکومت‌ هرچه زودتر در مورد جلو گیری ازعواقب‌ خطرناك سیلبر حاکم بر شهرخان‌ آباد، باقدام عملی بپردازد.

ن.پ از خان آباد

اهالی وطنپرست اندخوی

اعتراض میکنند

جریده ملی پرچم خلق درشماره (۴۷) ۱۳۴۷ خویش حقایقی رادرباره موانع ضد قانونی در برابر نشر ادبیات ازبکی وترکمنی افغانستان انتشار داد.

ما مردم وطنپرست اندخوی درحالیکه‌ خدمات ارجمندجریده‌ پرچم–خلق را در راه احیای زبانهای‌ ازبکی وترکمنی کشور ومبارزات آنرا در برابر موانع غیر قانونی دستگاه حاکمه موردتقدیروتائیدقرارمیدهیم– در مقابل این عمل ضد دموکراتیك مقامات مربوط‌ اعتراض شدید خودرا اعلام میداریم ، چه در قانون‌ اساسی کوچکترین مانعی درین زمینه وجود ندارد . اگر چنین نیست چرا در برابر نشر وبرادکاست زبانهای انگلیسی ، آلمانی، فرانسوی، اردو وغیره که بکلی‌ برای کشور ما بیگانه است ، این مواد قانونی تطبیق نمیگردد؟ باید مقام مربوط هر چه زودتر اینموضوع را توضیح کند.

برخی ازمردم وطنپرست کشورما درچوکات افغانستان‌ واحد بزبانهای از بکی وتر کمنی صحبت میکنند و ونمیتوانند از نشرات وبرادکاستی که‌ بزبانهای پښتوودری‌ صورت‌ می گیرد بطور لازم‌ استفاده کنند ومطالب‌ آنرا هضم نمایند. بنا برآن بدانگونه‌ که از استفاده درست ازمعارف کشور محرومند ، از نشرات ومطبوعات‌ نیز بی‌ بهره اند.

امیدواریم جریدۀ پرچم خلق، در ضمن مبارزات خود، همچنان‌ مجدانه وبدون هراس به‌ پیکارخود درین‌ زمینه نیزادامه دهدواین اعتراض مارا به «مقام ذیصلاح» افغانستان اعلام بدارد.

باید خاطرنشان ساخت که‌ مردم دشمنان طبقاتی خودرا میشناسندو هیچ بیمی‌ دربرابراینگونه‌ خودسریها وحرکات اختناق آور ندارند .

(امضاء ومهریکصد وچهل وهفت نفر از اهالی اند خوی)

تراژیدی سیلابهای اخیر درشبرغان

انبوه بزرگی از مردمان زحمتکش اینديار بی خانمان گردیده‌ اند

سیلابهای هول انگیز و خانمان برانداز از شانزده روز باینسو (تا ۹ ثور) منازل واراضی تحت زرع قراء شبرغان را به خطر و تباهی تهدید می‌ نماید . طوریکه دهقانان میگویند در حدود (۱۶۰) خانۀ مردم زحمت کش قراء خواجه‌ دوکوه سالتق ، چوب باش و اسلام از هم فرو ریخته و در حدود ۱۶ پیکال زمین زرع شده ، طعمۀ سیلاب گردیده است .

شانزده روز تمام در جویبارهای شبرغان آب به جریان نیامده‌ وانبار های آب حوضها نیز ته کشیده ، آسیابها از گردش بازمانده‌ وشرنگ

(ص ٤)

از (ص اول)

مسؤولیت عواقب ...

اگر اسرائیل به این ماجرا جوئیها خاتمه ندهد و فیصله نامۀ ۲۲ نومبر ۱۹۶۷ را نپذیرد ، وقوع جنگ‌ دیگر که‌ همین اکنون هم بصورت اعلان نشده‌ جریان دارد و روز بروز درحال گسترش است، نا گزیر است ودر آنصورت مسؤولیت عواقب وخیم آن بدوش اسرائیل وحامیان آن خواهد بود .